

### بازتاب

## دولت در مسیر رفع ناترازی‌های اقتصاد و غلبه بر ابر چالش‌ها

دولت چهاردهم در حالی راهبری اجرائی کشور را عهده‌دار شد که در عرصه اقتصادی چالش‌های جدی وجود داشت و به اذعان اقتصاددانان ناترازی‌های درمان‌نشده در بخش‌های مختلف هم برای اقتصاد بحران‌ساز شده و هم یکدیگر را تشدید می‌کنند؛ اما دولت در کمتر از پنج‌ماهه عمر خود تلاش کرده بربنمای ظرفیت‌های قانونی برنامه هفتم برای رفع این ناترازی‌ها گام بردارد و نمود بارز این گام‌های عملی در قانون بودجه ۱۴۰۴ و اصلاح سیاست‌های ارزی تیلوریاخته است.

به گزارش شادا، مرکز روابط‌عمومی و اطلاع‌رسانی وزارت امور اقتصادی و دارایی، در پاسخ به مطلب دهم بهمن‌ماه سال جاری روزنامه شرق با عنوان «بهبانه‌ای به نام ترامپ» توضیح داد: کنترل تورم و نوسانات نرخ ارز، از مهم‌ترین چالش‌های پیش‌روی دولت بود که این دو عامل، به‌شدت بر قدرت خرید مردم، هزینه‌های تولید و سرمایه‌گذاری تأثیرگذار است؛ علاوه بر این رکود اقتصادی و نرخ بالای بیکاری، به‌ویژه بیکاری جوانان، از دیگر چالش‌های جدی اقتصاد بوده که از نگاه دولت افزایش تولید، ایجاد اشتغال و رشد اقتصادی پایدار، نیازمند تدوین و اجرای سیاست‌های اقتصادی مناسب است.

نابرابری درآمدی که منجر به افزایش شکاف طبقاتی و نارضایتی اجتماعی شده و از سوی دیگر وابستگی به درآمدهای نفتی و کاهش سرمایه‌گذاری نیز از بیماری‌های مزمن اقتصاد ایران بوده که در سال‌های اخیر تشدید شده است.

از یک سو نوسانات قیمت نفت، تحریم‌ها و محدودیت‌های صادراتی، درآمدهای ارزی کشور را تحت تأثیر قرار داده و برنامه‌ریزی اقتصادی را با مشکل مواجه می‌کند و از سوی دیگر کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی، از مهم‌ترین دلایل رکود اقتصادی است و عدم اطمینان سرمایه‌گذاران به آینده اقتصاد، ناشی از عوامل مختلفی مانند تورم، نوسانات ارزی، تحریم‌ها و عدم شفافیت قوانین و مقررات به این وضعیت دامن زده است.

در کنار این عوامل اقتصاد ایران با دو ابرچالش نیز دست‌به‌گریبان بوده؛ تحریم‌های اقتصادی اعمال‌شده علیه ایران، به‌شدت بر اقتصاد کشور تأثیر گذاشته و دسترسی به بازارهای جهانی و فناوری‌های نوین را محدود کرده و دوم مدیریتی ناکارآمدی که تمام این موارد نیازمند اصلاح و بازسازی است. از نمودهای بارز این ناکارآمدی، عدم هماهنگی بین سیاست‌های پولی، مالی و تجاری بوده که به کاهش تراز تجاری غیرنفتی و غیرقابل اتکا بودن داده‌های صادرات و واردات منجر شده است. این موارد در حالی است که در قانون برنامه هفتم توسعه که تیرماه امسال ابلاغ شده، راهکارهایی برای رفع ناترازی در حوزه‌های مختلف بوده‌چ، بانکی، انرژی و… دیده شده است و دولت چهاردهم مسیر حرکت خود را در چه در نخستین سند مالی خود یعنی لایحه بودجه ۱۴۰۴ و چه در سایر اقدامات و سیاست‌گذاری‌ها از جمله سیاست‌گذاری ارزی براین‌اساس طراحی کرده است.

بر اساس قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور و قانون بانک مرکزی «نظام ارزی شناور مدیریت‌شده» باید مبنای اقدام برای سیاست‌گذاری ارزی قرار گیرد؛ تکلیف قانونی که در سال‌های گذشته با تعدد نرخ‌های بازار رسمی ارز اجرا نشده بود و عملاً توفیقی نیز در کاهش واگرایی بین نرخ ارز بازار غیررسمی با نرخ اعلامی بانک مرکزی حاصل نشده بود.

علاوه بر این در اسناد بالادستی اهدافی مورد توجه قرار گرفته بود که سیاست‌های ارزی سال‌های گذشته در مغایرت با آنها بود از جمله بند (۱۹) سیاست‌های کلی اقتصادی مقاومتی مبنی بر عدم ایجاد بستر فساد در حوزه ارزی و تجاری، و در حالی که رشد متوسط سالانه صادرات غیرنفتی به میزان ۲۳ درصد، جلوگیری از بیش‌ظهوری در واردات و کم‌ظهوری در صادرات کالاها با سیاست‌های ارزی و اشراف اطلاعاتی بانک مرکزی بر جریان‌های ارزی در برنامه هفتم پیش‌رفت که سیاست‌گذاری ارزی با هیچ‌کدام انطباق نداشته و اصلاح سیاست‌ها ضروری بود.

در چنین شرایطی تعدد نرخ‌های رسمی و اختلاف معنادار بین نرخ غیررسمی و نرخ نیمایی مشکلات متعددی از جمله ایجاد رانت، تضعیف بازار رسمی، افزایش کسری تجارت غیرنفتی به رقم ۱۷ میلیارد دلار، بیش‌ظهوری در واردات و کم‌ظهوری در صادرات کالاها، تضعیف سیاست‌گذاری پولی در راهبری بازار ارز و… را ایجاد کرده بود. در این شرایط بود که ستاد اقتصادی دولت تصمیم به اصلاح سیاست‌های ارزی منطبق با اسناد بالادستی و تکالیف قانونی کرد و «بازار ارز تجاری» با حذف نرخ‌گذاری دستوری ارز نیمایی و اجازه به معامله با نرخ توافقی در بازه قیمتی معین راه‌اندازی شد.

لازم به ذکر است که با آغاز فصل پاییز و قبل از اتخاذ سیاست‌های ارزی، نرخ غیررسمی ارز روند روبه‌رشد خود را از ۶۰ هزار تومان آغاز کرده بود که به دلایلی همچون روند افزایشی نرخ بلندمدت یا تعادلی نرخ ارز به دلیل ادامه ناترازی‌های کلان اقتصادی و رشد‌های بالای نقدینگی و انتظارات تورمی و همچنین انتظارات منفی ناشی از رخدادها و اخبار سیاسی، امنیتی و منطقه‌ای بود که افزایش تقاضاهای فصلی هم به آن دامن می‌زد.

بازار ارز به‌شدت تحت‌تأثیر رخدادهای خارجی است و در ماه‌های اخیر حوادث منطقه‌ای و درگیری‌های محدود با رژیم صهیونیستی و همچنین انتخاب ترامپ در کنار عملیات‌های رسانه‌ای و شایعات به اوج خود رسیده؛ حوادثی که هریک به‌تنهایی قابلیت تأثیر شدید بر انتظارات را داشته است. اما با اجرای سیاست ارزی دولت طبیعتاً انگیزه بیش اظهاری واردات از بین می‌رود و صادراتکنندگان نیز انگیزه بالاتری برای صادرات و بازگشت ارز پیدا می‌کند.

با ازبین‌رفتن صف نیمایی، رجوع تولیدکنندگان به بازار غیررسمی جهت تأمین ارز برای تهیه مواد اولیه تولید کاهش می‌یابد و از طرفی بخشی از واردات که به دلیل کمبود تخصیص ارز، به بازار غیررسمی جهت واردات قاچاق مراجعه می‌کردند، امکان خواهند داشت تا به‌صورت رسمی واردات خود را انجام داده و تقاضای خود را از بازار غیررسمی کاهش دهند؛ بنابراین در نهایت حذف سقف نیمایی موجب کاهش معنادار تقاضای ارز نسبت به عرضه ارز شده و در نهایت اثر کاهشی بر تمامی نرخ‌ها از جمله نرخ غیررسمی ارز خواهد داشت. دولت در کنار این سیاست ارزی، موضوع تأمین مالی تولید را بر مبنای قانون تأمین مالی تولید و زیرساخت‌ها با جدیت دنبال کرده و با برگزاری منظم نشست شورای ملی تأمین مالی و سرعت‌بخشیدن به تصویب دستورالعمل‌ها و آیین‌نامه‌های اجرائی آن در تلاش است با فعال‌کردن ظرفیت‌های این قانون تولید را از رکود نجات دهد. بنابراین ادعای عدم شناخت دولت از مشکلات اقتصادی کاملاً نادرست و از آن نادرست‌تر تکرار این گزاره است که دولت برنامه‌ای برای مواجهه با این مشکلات ندارد.



## روایتی از یک انحصار در توسعه شهری

**علی سلطانی، یاسر حاتمى**، بدون تردید یکی از بحران‌هایی که این روزها در اکثر شهرهای کشور بسیار ملموس است، تورم مسکن و وضعیت اسکان‌نایابی جامعه ایران است. وضعیت اسفباری که بر اساس آمار و گزارشات بانک مرکزی میانگین قیمت یک واحد مسکونی معامله‌شده در تهران برابر با ۸۸ میلیون تومان در سال ۱۴۰۲ بوده است و طبق گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی یک خانوار دهک اولی در سال ۱۴۰۱ باید ۱۳۳ سال کار کند تا یک واحد مسکن را خریداری کند. این شاخص برای دهک دوم و سوم و چهارم به ترتیب برابر با ۵۴٫۶۹ و ۴۶ سال است. بنابراین بر کسی پوشیده نیست که بحران مسکن در جامعه ایران عملاً سیر مسئله تا فاجعه‌را طی کرده و امروز به فاجعه اسکان‌نایابی رسیده است. بنابراین دغدغه این مهم برای حاکمیت روشن شده و از دهه ۸۰ با سیاست مسکن اجتماعی به نام‌های مسکن مهر، مسکن امید و در نهایت نهضت ملی مسکن، در پی پاسخ به چنین شرایطی در جامعه ایران است. با این حال سیاست به کار برده‌شده نه تنها پاسخی به مهار افسارگسیختگی قیمت مسکن در ایران نبود، بلکه خود محرکی شد برای افزایش تورم و استطاعت‌ناپذیری مسکن در ایران.

#### پاسخ نادرست مسکن دولتی

جدای از تحلیل‌های اقتصادی در باب چگونگی تأثیرگذاری این سیاست بر تورم، به دلیل عدم تشخیص تأمین منابع مالی توسط بانک مرکزی، باید به این موضوع اشاره کرد که این سیاست به دلیل عملکرد تک‌بعدی و غیرعلمی خود عاملی شد بر طی‌کردن فرایند ضد توسعه در شهرهای کشور. عدم ارزیابی و امکان‌سنجی‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی در این سیاست از همان رویکرد اولیه مسکن مهر در دهه ۸۰ تا به اکنون ادامه داشته و حتی امروزه حادثر نیز شده است.

بنا بر آنچه در برنامه هفتم توسعه اعلام شده است، بالغ بر ۳۳۰ هزار هکتار از اراضی پیرامونی شهرها و روستاهای کشور شناسایی شده است که باید در جهت تأمین برای ساخت مسکن به شهرها و روستاها الحاق شوند. با وجود اینکه خود این بند قانونی نقد فراوانی داشته و توسعه میان‌افزا و استفاده از زمین‌ها و ظرفیت‌های بزرگی چون سکونتگاه‌های خودساخته و بافت‌های فرسوده را نادیده می‌گیرد، باید گفت که این بند در ماده ۵۰ قانون برنامه هفتم کشور بستری را ایجاد کرده است تا برنامه توسعه شهرها درگیر فرآیندهای سیاسی و غیرکارشناسی شود. فرآیندهایی که الحاقات گسترده زمین، بدون پشتوانه کارشناسی و تخصصی را با مشروعبت‌بخشی قدرت سیاسی به شهرها تحمیل کند.

نمونه‌بازر چنین وضعیتی را می‌توان در شهر همدان مشاهده کرد، شهری تاریخی و دارای هویت که طبق اعلام رسمی هیئت‌مجلس در شورای مسکن در خرداد ۱۴۰۲، الحاق ۴۰۰۰ هکتار به شهر همدان باید صورت گیرد (نماینده مجلس شهر همدان: الحاق دو هزار هکتار به طرح جامع همدان صورت گرفته و بایدالحاق دو هزار هکتار دیگر در جهت تأمین مسکن ۵۰ هزار متقاضی صورت گیرد).

جدای از اینکه آیا این نوع سیاست و بحث الحاق زمین واقعاً پاسخی برای تورم مسکن و شرایط اسکان‌نایابی جامعه ایران هست یا خیر (نظر کنید به تجربه مسکن مهر تا نهضت ملی در درمان مشکل مسکن)، تجربه دو دهه این سیاست در ایران و تجربیات جهانی نسبت به این نوع گسترش شهری نشان می‌دهد که پیامدهای منفی زیادی برای فرآیند توسعه شهرها داشته است. در واقع رشد افقی شهرها بدون طی‌کردن مراحل ارزیابی و امکان‌سنجی دقیق، بستر بحرانی را در ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و در نهایت کالبدی شهرها ایجاد می‌کند. ازبین‌بردن اراضی کشاورزی، ایجاد فضاهای غیرفعال و پراکنده، تحمیل هزینه‌های سنگین آماده‌سازی و تأمین خدمات به شهر، تکه‌تکه‌شدن زیستگاه‌ها، افزایش گازهای گلخانه‌ای و وابستگی بیشتر به وسایل نقلیه خصوصی، ایجاد رانت و بورس‌بازی زمین و دامن‌زدن بر نابرابری شهری، تنها بخشی از آثار و پیامدهای این‌گونه الحاقات به شهرهای کشور است.

این روزها پروژه‌های نهضت ملی مسکن با وجود داشتن آرمان برنامه‌ریزانه در جهت بهره‌مندی گروه‌های کم‌درآمد، اما پوششی است برای تکامل یک مسیر ضد توسعه که بنیان آن در دهه ۸۰ در کشور نهادینه شد. زمانی که سیاست مسکن مهر با عدم تشخیص منابع، سرمایه و زمینه، به نظام برنامه‌ریزی شهرها تحمیل شد و نتیجه آن نه‌تنها درمان تورم مسکن نبود، بلکه خود یکی از بانیان اصلی آن در شهرها شد. به گفته معاون اقتصادی بانک مرکزی در آذرماه سال ۱۳۹۶، حدود ۴۳ درصد پایه پولی کشور مربوط به بدهی بانک مسکن به بانک مرکزی بابت تأمین مالی طرح مسکن مهر بوده که منجر به



تکمیل عملیات ساخت آتا

### بسیاری از سیاست‌گذاری‌های حوزه مسکن ضد توسعه عمل کرده‌اند

# روایتی از یک انحصار در توسعه شهری

الحاقات به شهر همدان را مورد تردید و تأمل قرار می‌دهند؛ بنابراین اصرار بر الحاق زمین به شهر همدان آن هم در شرایطی که زمینی به این حجم از مساحت (چهار هزار هکتار) در سندیت دولت پیرامون همدان نیست و تماماً در مالکیت بخش خصوصی است، بوی خوشایندی را به مشام نمی‌رساند. چنین الحاقات غیرکارشناسی و تخصصی، زمینه مستعدی برای بورس‌بازی زمین و سوداگری در شهرهاست. باید توجه داشت که رانت اطلاعاتی افسراد ذی‌نفعود در دستگاه‌ها و نهادهای دولتی در موضوع الحاقاتی که در سندیت دولت هم قرار ندارد، منجر به زمینه‌ای مناسب برای خریدوفروش سوداگرانه زمین و انحصار در این ثروت ملی می‌شود.

حجم و قیمت را تغییر داده و جهتی تورمی به آن ببخشد. در نهایت باید توجه داشت‌که بحث استطاعت‌ناپذیری مسکن در بسیاری از کشورها تجربه شده و در قبال آنها پاسخ‌های کارآمد زیادی نیز داده شده است. سال‌ها تحقیقات و مطالعه در این باب نشان می‌دهد که سیاست‌های تک‌بعدی مانند مسکن اجتماعی و الحاقات زمین ازجمله سیاست‌های شکست‌خورده در بحث استطاعت‌پذیری مسکن هستند و امروزه سیاست‌ها به رویکردهای ترکیبی میل کرده‌اند. سیاست‌هایی که علاوه بر تأثیرگذاری در بخش اقتصاد کلان و مهار تورم، تسهیلات و اعتبارات لازمه برای دستیابی مردم به مسکن را فراهم کرده‌اند. مثال بارز این موضوع را می‌توان در سنگاوپر مشاهده کرد که با استفاده از سیاست‌هایی موسوم به اقدامات خنک‌کننده مسکن، جعبه ابزار جامعی برای کنترل گرانی مسکن در شهرها تبیین کرد یا سیاست‌های مکان‌محور و منطقه‌بندی فراگیر در ایالات متحده که به همراه اعمال مالیات بر عایدی سرمایه، استطاعت‌پذیری مسکن برای غالب جامعه را به‌شدت افزایش داد.

#### کمبود داده

به نظر می‌رسد پاسخ‌های کلاسیک به‌تعادل‌رسانی عرضه و تقاضا در بازار مسکن، آن هم در بازارهایی که درگیر شبکه‌های سوداگری و انحصار هستند، پاسخ درستی به تقلیل روند تورمی مسکن نباشد، چراکه هر تولیدی در این بازار تبدیل به خوراکِ جدید برای تقاضای غیرمؤثر مسکن و گسترده‌شدن این شبکه سوداگری است. همان‌طورکه وزیر راه و شهرسازی اعلام کرد بخشی از ۸۰۰ هزار نفر متقاضی (تأییدشده) طرح‌های حمایتی (نهضت ملی مسکن) از دهک هشتاد تا ۱۰ هستند، این به معنای آن است که بخشی از تقاضای مسکن در پروژه نهضت ملی که میزان آن نیز مشخص نیست، تقاضای مؤثر نبوده و اصلاً در راستای تأمین مسکن قشر کم‌درآمد و متوسط جامعه نیست؛ بلکه کاملاً در قاعده بازی سوداگری قرار دارد.

به نظر می‌رسد ما حتی در تشخیص تقاضای مؤثر مسکن نیز درمادهمودج و حتی اطلاعات قیقیی از نسبت این تقاضا به وضعیت موجود مسکن در بازار نیز نداریم. متأسفانه نداشتن بانک اطلاعاتی جامع در حوزه مسکن، به‌ویژه در موضوع تعداد واحدهای خالی در کشور و تزریق‌نشدن آنها به بازار مسکن، نشان می‌دهد که خنک‌کردن قیمت مسکن و مهار تورم در آن با نگرش سنتی تعادل بین عرضه و تقاضا غیرممکن است.

به نظر می‌رسد سیاست‌های دولت در باب مسکن، بازی بزرگی خورده است و برای تغییر این زمین بازی باید مشتت‌گره‌کرده سوداگری را باز کند. مشتّی که مانع برخی انحصارات مانند ملاکی بانک‌ها و احتکار واحدهای خالی از سوی آنها یا افراد خفیی شده که صدها واحد خالی دارند و دارای قدرت و موقعیت ویژه‌ای در التهاب‌بخشی به بازار مسکن و قیمت‌گذاری منطقه‌ای در شهرها شده‌اند. مشکل اصلی بازار مسکن و اسکان‌نایابی جامعه‌ایند بحث کمبود عرضه و قدرت تقاضا و داستان کلیشه‌ای تعادل بیسن این دو نیست، بلکه موضوع اصلی تأمین‌نشدن پس‌انداز مسکن در سبب درآمدی خانوار و نداشتن قدرت خرید مسکن به‌واسطه تورم، احتکار، سفته‌بازی و قیمت‌گذاری‌های شبانه مسکن در جامعه ایران است که حتی به پروژه‌های نهضت ملی مسکن نیز نفوذ کرده و تقاضای مؤثر را نیز در آن به حاشیه برده است.

علاوه بر همه این محدودیت‌ها باید به بحث جمعیت شهر همدان که نرخ رشدی نزدیک به صفر داشته (طبق سرشماری سال ۱۴۰۰ که هرگز به شکل رسمی ما به دلایل نامند) و وضعیت مهاجرفرستی شهر نیز اشاره کرد که همگی این‌سبب حجم از

### خبر

## رکورد تاریخی برای صنعت رمزارز در ایران نویتکس از مرز ۱۰ میلیون کاربر عبور کرد



صنعت رمزارز در ایران امروز به یک رکورد تاریخی دست پیدا کرد. روابط‌عمومی نویتکس اعلام کرد تعداد کاربران این پلتفرم از ۱۰ میلیون نفر عبور کرده است، اتفاقی که جایگاه نویتکس را به عنوان پرچم‌دار و یکی از بازیگران کلیدی بازار رمزارزها در ایران تثبیت می‌کند. ضمن اینکه این آمار ۱۰ میلیونی، نویتکس را به یکی از دو کسب‌وکار بزرگ بلاکچین‌محور بین کشورهای منطقه و خاورمیانه تبدیل می‌کند. این رویداد تاریخی نمادی از علاقه و توجه ویژه ایرانیان به صنعت رمزارز و دنیای بلاکچین است. آمارها نشان می‌دهد حدود ۱۴ درصد ایرانیان تجربه مالکیت نوعی از دارایی رمزارزی را دارند و از این جهت ایران از کشورهایی مثل آلمان، انگلستان و کانادا امارات آبیست. کشورهایی مثل آمریکا و امارات البته از این نظر از این کشورها هستند و به ترتیب ۱۵ و ۳۰ درصد جمعیت آنها، تجربه مالکیت نوعی از دارایی رمزارزی را دارند. نویتکس به عنوان یکی از شرکت‌های پیشرو در صنعت رمزارز در ایران، سهم مهمی در دسترسی امن و سریع شهروندان ایرانی به بازار رمزارز داشته و طبق اعلام این پلتفرم به طور میانگین، یک‌ونیم میلیون ایرانی هر روز نرم‌افزار نویتکس را حداقل یک بار باز می‌کنند و وب‌سایت این پلتفرم به‌طور میانگین دو میلیون بازدید ماهانه دارد. آمارهایی از این جشن نشان‌دهنده ضریب نفوذ بالای رمزارزها در ایران است که این فراگیری و دسترسی‌پذیری برای اقشار مختلف جامعه، از درجه اقدامات و فرصت‌سازی بازیگرانی مثل نویتکس در این بازار مالی به دست آمده است.

### کدام گروه خوراکی‌ها رکورددار تورم دردی‌ماه هستند؟

تغییرات متوسط قیمت اقلام خوراکی منتخب برای گروه‌های مختلف کالاهای خوراکی در مناطق شهری کشور از سوی مرکز آمار ایران اعلام شد. به گزارش خبرگزاری مهر، در دی‌ماه ۱۴۰۳ تغییرات متوسط قیمت اقلام خوراکی منتخب برای گروه‌های مختلف کالاهای خوراکی در مناطق شهری کشور به شرح زیر است:
در گروه نان و غلات اقلام ماکارونی با ۴٫۹ درصد، شیرینی خشک با ۳٫۱ درصد، شسته آش و برنج ایرانی با ۲٫۹ درصد بیشترین افزایش قیمت را نسبت به ماه قبل داشته‌اند.
در گروه گوشت قرمز، سفید و فرآورده‌های آنها بیشترین افزایش قیمت نسبت به ماه قبل مربوط به ماهی قزل‌آلا با ۲٫۷ درصد و همچنین بیشترین کاهش قیمت مربوط به مرغ ماشینی با ۵۰- درصد است.
در گروه لبنیات، تخم‌مرغ و انواع روغن بیشترین افزایش قیمت نسبت به ماه قبل مربوط به کره پاستوریزه با ۹٫۸ درصد، خامه پاستوریزه با ۵٫۷ درصد و شیر خشک با ۳٫۴ درصد است.
در گروه میوه و خشکبار بیشترین افزایش قیمت نسبت به ماه قبل مربوط به آنانز با ۱۱٫۸ درصد، موز با ۳٫۷ درصد و سیب با ۳٫۶ درصد و همچنین بیشترین کاهش قیمت مربوط به خربزه با ۹٫۶- درصد و پرتقال با ۴٫۶- درصد است.
در گروه سبزیجات و حبوبات، بیشترین افزایش قیمت نسبت به ماه قبل مربوط به بادمجان با ۴۰٫۶ درصد، سیب‌زمینی با ۲۰- درصد، کدوسبز با ۱۷٫۶ درصد و خیار با ۹٫۸ درصد است.

### یادداشت

### باده‌بی‌کفاف

این بار به قول سهراب نباید گفت چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید بلکه باید گفت چشم‌ها باز کنیم و همه جا و همه پدیده‌های موجود و مؤثر در جامعه را ببینیم. به وسعت ایران و مرزا و به عمق وجود انسان‌ها، ببینیم در طول سال‌های گذشته چه شده، چه کار کرده‌ایم، سرعت کار چه میزان بوده، نیازها چه اندازه بوده، نیازها را با سرعت کارها مقایسه کنیم. این دو در مسابقه هستند. نیازها با سرعت پیش می‌روند اما کارها با تعطیل یا کند بوده است. پس دودنه کارها از دوندنه نیازها و ضرورت بسیار عقب افتاده است و چیزی نمانده که درازمانده شود.
حداکثر مثل آن دودنه دوی مارتن که به جای دو ساعت، پس از هشت ساعت آن هم خسته و زخمی و متلاشی به مقصد رسید، خواهیم شد و البته گمان آن هم نمی‌رود که به‌هوش باشیم.